

بررسی تطبیقی ترجمه‌های انگلیسی قرآن کریم

عبدالرضا قوامی

عضو هیات علمی دانشگاه لرستان

چکیده

مقاله حاضر با هدف ارائه ترجمه انگلیسی درستی از مصحف شریف، البته مطابق با اصول و روش‌های صحیح ترجمه، چهار آیه شریفه از سوره مبارکه مطففین (آیات ۱۳ تا ۱۶) را بررسی خواهد کرد و روش کار بدین گونه است که ابتدا تفسیرها، شأن نزول، ترجمه‌های فارسی، تجزیه و ترکیب، و صرف و نحو آیات مطرح، سپس برگردان‌های انگلیسی آنها، شامل ترجمه‌های آربری، ایروینگ، شاکر، ایران‌پناه و صفارزاده، بدقت بررسی و، ضمن مشخص کردن اشکالات هر یک، در نهایت ترجمه اصلاحی فارسی و انگلیسی آنها ارائه می‌شود.

واژه‌های کلیدی: قرآن کریم، سوره مطففین، ترجمه انگلیسی آیات و

مطابقت ترجمه‌ها.

مدخل. دربارهٔ سورهٔ مطففین

در آیهٔ نخست سوره، کم‌فروشان نکوهش شده‌اند و به آنان هشدار داده شده و برای اصلاح اقتصادی در جامعه، از زشتی این کار و عقوبت‌های سخت اخروی بر آنها و تکذیب‌کنندگان و فاجران، سخنانی بیان گردیده و سپس از ابرار و صالحان ستایش به عمل آمده است.

این آخرین سورهٔ مکی (شامل ۳۶ آیه) است که حین هجرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و پیش از رسیدن حضرت به مدینهٔ منوره نازل شده است و در حقیقت گویای مسائل کم‌فروشی و اختلال در توزین و کیل کردن است که مردم این شهر بدان گرفتار بودند. سورهٔ مبارکهٔ مطففین به نام تطفیف نیز خوانده شده است.

مقدمه

در اینکه سورهٔ مذکور مکی است یا مدنی، میان مفسران بحث و اختلاف است. شأن نزولی نشان می‌دهد که آیاتِ آغازینِ آن که دربارهٔ کم‌فروشان سخن می‌گوید ناظر بر افرادی است که مدینه به این کار ناشایست دست می‌زدند. ولی لحن دیگر آیات این سوره شباهت زیادی با سُورِ مکی دارد که ضمن آیه‌ای کوتاه و پرطنین، از رستاخیز و حوادث قیامت خبر می‌دهد. البته آیات پایانی سورهٔ مبارکه هم که بیانگر استهزای کفار نسبت به مسلمانان است تناسب بسیاری با محیط مکه دارد که در آن زمان مؤمنان در اقلیت بودند و کافران در اکثریت قاطع، و شاید به همین دلیل است که بعضی مفسران قسمتی از سوره را مکی و بخشی را مدنی می‌دانند ولی با همهٔ تفاسیل، سورهٔ مبارکهٔ مطففین به سوره‌های مکی شبیه‌تر است و بحث‌های آن نیز بر پنج محور بدین شرح قرار دارد:

۱. هشدار و تهدید شدید نسبت به کم‌فروشان؛

۲. اشاره به این مطلب که گناهان بزرگ، از عدم ایمان راسخ به رستاخیز سرچشمه می‌گیرد؛

۳. بیان بخشی از سرنوشت فجّار در آن روز بزرگ؛

۴. بیان قسمتی از مواهب عظیم و نعمت‌های روح‌پرور نیکوکاران در بهشت؛

۵. اشاره‌ای به استهزای جاهلانه کافران نسبت به مؤمنان و معکوس شدن این کار در قیامت (مکارم شیرازی ۱۳۶۶ ه. ش).

شان نزول آیات شریفه سوره مبارکه مطفین

نقل می‌شود که این آیات در زمان ورود رسول خدا ﷺ به مدینه منوره نازل شده است، زیرا اهل آن شهر از بدترین مردم در کیل کردن و توزین بودند که بعدها اصلاح شدند و آن عمل را ترک کردند. بعضی نیز گفته‌اند که بازرگانان مدینه کم‌فروشی می‌کردند و معاملات حرام انجام می‌دادند و معروف است که در بین ایشان مردی به نام ابوجهیده بود که دو پیمان، یکی کوچک و دیگری بزرگ، داشت بدان سبب که هنگام خرید از پیمان بزرگ و به وقت فروش از پیمان کوچک استفاده می‌کرد. فلذا آن آیات مبارک نازل شد و نبی اکرم ﷺ آنها را بر ایشان تلاوت نمود و فرمود: «پنج چیز در برابر پنج چیز است»، عرض کردند: «آنها کدام است؟» حضرت فرمود:

هیچ قومی نقض پیمان نکردند، مگر اینکه خدا دشمنانشان را بر آنها چیره کرد و هیچ قومی به غیر از آنچه خدا نازل نمود حکم نکردند، مگر آنکه فقر و تنگدستی در میانشان زیاد شد و در میان هیچ ملتی فحشا و زشتی پدیدار نشد، مگر اینکه مرگ‌ومیر در میان آنان فراوان گشت و هیچ قومی کم‌فروشی نکردند، مگر آنکه گیاهان و زراعت ایشان از بین رفت و دچار قحطی شدند و

هیچ قومی زکات را قطع نکردند، مگر اینکه باران از آنها قطع شد. اکنون به بررسی و بحث درباره آیات شریفه سیزدهم تا شانزدهم سوره مبارکه مطففین، ذکر ترجمه انگلیسی این آیات به قلم بعض مترجمان، اشکالات کار آنان، و در نهایت ارائه ترجمه انگلیسی صحیح هر آیه می پردازیم.

۱. خدا در آیه سیزدهم می فرماید: «إِذَا تُلِّيَ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ».

۱.۱. تفسیر آیه

مرحوم علامه طباطبایی (تفسیر المیزان. تفسیر ذیل آیه شریفه) معتقد است که منظور از آیات خدا در اینجا همان آیات قرآن است، برای اینکه سخن از تلاوت این آیات دارد و کلمه اساطیر نیز جمع واژه اسطوره و به معنای نوشته شده سطر به سطر است، و لکن کفار آن آیات شریف قرآنی را باطیل امت های گذشته می خواندند. به همین سبب حضرت باری تعالی می فرماید که «چون آیات قرآن بر آنان تلاوت می شود - آیاتی که ایشان را از گناه و نافرمانی بر حذر می دارد و از روز قیامت و جزای آن انداز می کند - در مقابل آن می گویند اینها باطیل است».

آیه الله مکارم شیرازی (تفسیر نمونه. ذیل تفسیر آیه کریمه) آورده است که در آیه ۱۳ به سومین وصف منکران قیامت اشاره می کند و می افزاید: «هنگامی که آیات ما بر [آنها] خوانده می شود می گویند: این همان افسانه ها و مطالب بی اساس پیشینیان است». آنان علاوه بر اینکه تجاوزگر و گناهکار و (اثیم) اند، آیات الهی را نیز به باد سخریه و استهزا گرفته اند و آن را مجموعه ای از اسطوره ها و افسانه های موهوم و سخنان بی ارزش، نظیر آنچه از اعصار نخستین (دوران نادانی بشر) به یادگار مانده است معرفی می کنند و به این بهانه می خواهند

خود را از مسؤولیت در برابر این آیات برکنار دارند.

نه تنها در این مورد، بلکه در آیات دیگری از قرآن مجید نیز می‌خوانیم که مجرمان جسور برای فرار از اجابت دعوت الهی به همین بهانه متوسل می‌شدند، به طوری که در نُه آیه از قرآن کریم درست همین مطلب منعکس شده است که مشرکان در مقابل آیات الهی، همان سخن زشت را بر زبان جاری می‌ساختند؛ از جمله در آیه پنجم از سوره فرقان که فرموده است: «وَقَالُوا أَنَا طَيْرٌ الْأَوَّلِينَ اكْتَسَبَهَا فَهِيَ تُمَلِّئُ عَلَيْهِ بُكْرَةً وَأَصْلًا»، گفتند این قرآن اسطوره‌هایی است از پیشینیان که او آن را رونویس کرده است و هر صبح و شام بروی املا می‌شود! یا در آیه ۱۷ از سوره احقاف نیز از زبان جوان طغیانگری که در مقابل پدر و مادر مؤمن و مهربانش می‌ایستد، چنین می‌فرماید که او تمام نصایح آنها را به باد استهزا می‌گیرد و می‌گوید: «مَا هَذَا إِلَّا أَنَا طَيْرٌ الْأَوَّلِينَ»، اینها که شما می‌گویید چیزی جز اسطوره‌ها و سخنان بی‌اساس پیشینیان نیست.

بعضی از مفسران گفته‌اند که آیه مورد بحث درباره نضر بن حارث بن کلدیه، پسر خاله پیامبر اکرم ﷺ که از سران کفر و ضلال بود، نازل شد ولی پیدا است که نزول آیه در زمینه‌ای خاص مانع از آن نیست که درباره دیگران نیز صادق باشد. به هر حال همیشه طغیانگران برای نجات از ملامت وجدان از یک سو و از اعتراضات مردم حق جو از سوی دیگر، بهانه‌های واهی می‌آورند تا خویشان را از این و آن راحت کنند و عجب این که آنها غالباً برنامه‌ای هماهنگ و یکنواخت داشته‌اند و گویی که در تاریخ پیوسته آن کلمات را در گوش هم فرو می‌خواندند؛ عناوینی همچون سحر، تهاوت، جنون، اسطوره و مانند آن!

۲.۱. مفهوم واژه‌های آیه

در این بخش معانی لغوی هریک از کلمات آیه شریفه به این شرح بیان می‌شود:

اذا (حرف ربط): چون، وقتی که، هنگامی که، زمانی که؛
تلی (از مصدر تلاوة / تلاوت): خواندن، خواندن قرآن و جز آن، خواندن با
قرائت و اندیشه و تأمل؛

علیه (حرف جرّ + ضمیر): بر او، بر وی، ضرر، نقصان، زیان؛
آیات (جمع آیه / آیت): نشان، نشانه، علامت، اماره، آیه، معجز، دشواری،
معجزه، اعجاز، کرامت، دلیل، حجت، برهان، هریک از تکه، طایفه، جمله،
کلام، فقره و جماعت حرف‌های قرآن که سوره از آنها مرکب است، یک سخن
تمام از قرآن، عجیبه، اعجوبه، رسالت، عبرت، شخص، کالبد، جماعت؛

قال (از مصدر مقال): گفتن، قول، قیل، گفت وگو، سخن‌گویی، سخن، گفتار؛
اساطیر (جمع اسطار و اسطارة، و اسطیر و اسیطرة، و اسطور و اسطوره): برخی
گفته‌اند که اسطار جمع سطر است و اساطیر جمع اسطار - به معنای سخن‌های
پریشان، بیهوده‌ها، افسانه‌ها، افسانه‌های باطل، اباطیل و اکاذیب، احادیث
بی‌سامان، قصه‌های دروغ؛

الاسطوره (جمع اساطیر): داستانی که در آن آفرینش‌های خیالی با باورهای ملی و
واقعیت همراه است و عبارت از سخنی است که اصل و ریشه‌ای ندارد، داستانی
خیالی؛

اساطیرالاولین: افسانه‌های قدما، خرافات پیشینیان؛
اولین (در حالت نصبی و جرّی، جمع اول): قدما (در فارسی، صفت تعیینی
عددی)، نخستین (دهخدا ۱۳۷۷ ه. ش. ذیل مواد مذکور؛ راند ۱۳۷۲ ه. ش. ذیل مواد
مذکور).

۳.۱. صرف و نحو

برای سهولت کار، مطالب این بخش در جدول آتی خلاصه شده است:

| واژه | تجزیه و ترکیب |
|--------|---|
| اذا | حرف غیر عامل، مبنی بر فتح، مفعول فیه و منصوب |
| تلی | فعل مضارع مجهول (ریشه تَلَوَ)، معتل ناقص، مبنی علی‌المجهول (مبنی فعل مجهول است نه معلوم)، فعل مجهول، نایب فاعل، هی مؤنث مستتر و هو جایز الاستتار (فعل و نایب فاعله ضمیر هی مستتر جوازا) |
| علی | حرف جز، عامل، مبنی علی‌الفتح |
| هـ | اسم، ضمیر، مفرد مذکر غایب، مبنی علی‌الکسر، معرفه به اضافه، منصرف (علیه: جار و مجرور و متعلقهما تلی) |
| آیات | اسم، جمع مذکر سالم، (مفرد آیه)، معرفه به اضافه، معرب، منصرف |
| نا | اسم، ضمیر، متکلم مع‌الغیر، مبنی علی‌الفتح، معرفه به اضافه، متعرف |
| قال | فعل ماضی (ریشه قَوْل)، مفرد مذکر غایب، معتل اجوف واوی، مبنی علی‌المعلوم، متعدی، فعل و فاعله ضمیر مستتر هو و جواباً |
| اساطیر | اسم، جمع مکسر، جامد، نکره، معرب، منصرف |
| ال | حرف، غیر عامل، مبنی السکون |
| اولین | اسم، جمع مذکر، معرفه به ال، جامد، معرف، غیرمنصرف |

۴.۱. ترجمه‌های فارسی

در این قسمت، ترجمه‌های فارسی آیه سیزدهم از سوره مطفین به قلم مترجمان مختلف ملاحظه می‌شود. ترجمه‌ها به ترتیبی نقل شده است که در عین حال بتوان مقایسه‌ای بین آنها صورت داد.

مرحوم مهدی الهی قمشه‌ای می‌نویسد: «که بر آنها چون آیات ما تلاوت شود گویند: "این سخنان، افسانه‌های پیشینیان است"»؛

اکبر ایرانیان‌پناه در ترجمه آیه آورده است: «چون آیات ما بر او خوانده شد، گفت: "این افسانه‌های پیشینیان است"»؛

طاهره صفارزاده آیه شریفه را چنین ترجمه کرده است: «همان کسانی که چون آیات ما بر آنها تلاوت شود، می‌گویند: "اینها افسانه‌های پیشینیان است"»؛ محمد مهدی فولادوند نوشته است: «(همان که) چون آیات ما بر او خوانده شود، گوید: "اینها افسانه‌های پیشینیان است"»؛

و بالاخره آیه‌الله ناصر مکارم شیرازی ذیل ترجمه آیه چنین می‌نویسد: «همان کسی که وقتی آیات ما بر او خوانده می‌شود، می‌گوید: "در این افسانه‌های پیشینیان است"».

۵.۱. ترجمه‌های انگلیسی

در این مبحث به نقل ترجمه‌های انگلیسی آیه مورد نظر، به قلم آربری، ایروینگ، شاکر، ایران‌پناه و صفارزاده می‌پردازیم:

Arberry: «When our signs are recited to him, he says, "Fairy-tales of the ancients!"»;

Irving: «When Our signs are recited to him, he will say: "[These are] legends by primitive men!"»;

Shakir: «When Our communications are recited to him, he says: "Stories of those of yore"»;

Iran Panah: «When our revelations are recited to them, he said: "Fairy-tales of the ancients!"»;

Saffarzadeh: «Those who when Our Words of revelation are recited to them, they say: "this is the legend of the ancients"».

۶.۱. شرح

شایان ذکر این که آیه شریفه ۱۳ از سوره مبارکه مطفین، عیناً مشابه آیه کریمه ۱۵ از سوره مبارکه قلم است و ما در اینجا به بحث درباره ساختار افعال آن خواهیم پرداخت. به طوری که مشاهده می‌شود کلمه تتلی، فعل مضارع مجهول است و به جمله حالت شرطی می‌دهد و اما در جواب شرط، فعل قال به صورت ماضی آمده است که اگرچه در زبان عربی مجاز و صحیح است ولی در زبان‌های فارسی و انگلیسی هردو فعل باید به لحاظ زمانی با هم هماهنگ باشد. لذا با توجه به آنچه گذشت، ترجمه صحیح فارسی آیه شریفه چنین خواهد شد:

هنگامی که آیات ما بر او خوانده می‌شود، گفت: «افسانه‌های پیشینیان است». بوضوح عدم تعادل در جمله احساس می‌شود و بنابراین در اینجا ناچار باید یکی از افعال از لحاظ زمانی با دیگری هماهنگ گردد تا از نظر دستور زبان‌های فارسی و انگلیسی نیز قابل قبول باشد. در این بین بهتر است فعل دوم (قال) تغییر یابد، چرا که این فرض یک فرض جامع است و منحصر به مورد خاصی نمی‌شود و همیشه وجود داشته است و خواهد داشت.

واژه اذا به when و کلمه آیات به revelations برگردانده شده است. همه مترجمان فعل تتلی را از مصدر to recite انتخاب کرده‌اند. سپس واژه اساطیر از میان fairy tales، legends و stories، و کلمه اولین از بین ancients، primitive men و those of yore انتخاب می‌شود.

در لغت‌نامه دهخدا، اسطوره به معنای افسانه و افسانه به مفهوم داستان‌های قدیمی گذشتگان آمده است. البته این احتمال وجود دارد که یک افسانه صحیح

و حقیقی باشد یا نباشد ولی مطابق با تعابیر مذکور، واژه legend - با استناد به واژه‌نامه Oxford (معنای ۱) - بخوبی وافی به مقصود است و در عین حال معنای واژه story را دربر دارد و خود اصطلاح fairy tale نیز نوعی legend است که به بیان داستان‌های واقعی یا تخیلی از نیروها و موجودات عجیب و غریب می‌پردازد.

اولین، اسم جمع و به معنای قدما آمده است. واژه yore هم که معمولاً در ترکیب of yore استفاده می‌شود واژه‌ای قدیمی و ادبی است و طبق روال معمول که بر استفاده از واژگان رایج و مورد استفاده روزمره تأکید دارد از بحث خارج می‌شود. Primitive، بر مبنای معانی آن در واژه‌نامه Oxford، صفت و بیشتر به معنای ابتدایی، ساده، اولیه و توسعه نیافته است تا مفهوم قدیمی و باستانی، ضمن آنکه این واژه در ترکیب با men آمده که در متن اصلی وجود ندارد. اصطلاح the ancients عیناً ذیل مدخل ancient (معنای ۳ ی آن) ضبط است و معانی دیگر آن نیز بهتر مفهوم و قدیمی و باستانی بودن را القا و در ضمن نیاز به استفاده از اسم پس از خود را رفع می‌کند، چرا که خود اسم است. در اینجا باید متذکر شد که همگی مترجمان، البته به غیر از ایروینگ که از by استفاده کرده است، قبل از اصطلاح اساطیر اولین، of را به کار برده‌اند. این اصطلاح مانند تعبیر کتب الرجال است که در صورت برگردان به زبان‌های فارسی و انگلیسی به ترتیب به صورت کتاب‌های مردان و books of the men نوشته می‌شود و حالت ملکی دارد. استفاده از by نیز در صورتی صحیح بود که اصل عبارت به صورت اساطیر من اولین ضبط می‌شد.

۷.۱. اشکالات کار مترجمان

در این مبحث ابتدا به نقایص ترجمه‌های انگلیسی آیه مورد بحث اشاره و سپس

ترجمه‌های پیشنهادی فارسی و انگلیسی نگارنده ارائه می‌شود. اشکالات ترجمه آربری. استفاده از حرف کوچک در ابتدای واژه our، در حالی که به خدا اشاره دارد؛ به کار بستن signs به جای آیات؛ کاربرد اصطلاح fairy tales برای اساطیر؛ استفاده از خط فاصله (.) در اصطلاح fairy-tales که حالت صفتی آن را نشان می‌دهد و افزودن s جمع به پایان صفت، زیرا حالت اسمی این اصطلاح فاقد خط فاصله است؛ و بالاخره معرفه نکردن legends، در حالی که معرفه به اضافه است.

مشکلات ترجمه ایروینگ. استفاده از واژه signs به جای آیات؛ به کار بردن فعل آینده ساده برای قال که زمان فعل را دو مرحله از زمان اصلی خود (گذشته ساده) دور می‌کند، در حالی که به کارگیری فعل حال ساده، معنی و زمان فعل را تنها یک مرحله از زمان اصلی خود (گذشته ساده) دور می‌کند و بقیه مترجمان نیز از زمان حال ساده استفاده کرده‌اند؛ استفاده بی‌مورد و اضافی صفت اشاره و فعل these are بین دو قلاب؛ و به کار بستن اصطلاح primitive men به جای اولین.

نقص‌های ترجمه شاکر. استفاده از واژه communications به عنوان معادل واژه آیات؛ به کار بستن واژه stories به جای اساطیر؛ کاربرد اصطلاح کهنه of yore برای واژه اولین؛ و معرفه نکردن legends.

نقایص ترجمه ایران‌پناه. به کار بستن حرف کوچک در ابتدای واژه our؛ استفاده از ضمیر them (جمع) برای به (مفرد مذکر) و سپس ذکر کلمه he که کاملاً ناهماهنگ است. در ضمن اگرچه ایران‌پناه تنها کسی است که زمان فعل قال را صحیح و معادل said آورده است، اما به طوری که گفته شد مطابق قواعد دستور زبان انگلیسی چنین عملی صحیح نیست؛ استفاده از اصطلاح fairy-tales

برای اساطیر، نیز کاربرد خط فاصله در آن که حالت صفتی اصطلاح را نشان می‌دهد و همچنین اضافه کردن s جمع به پایان صفت؛ و در نهایت معرفه نکردن legends.

مشکلات ترجمه صفارزاده. استفاده بی‌مورد از اصطلاح... those who در ابتدای جمله، بی‌آنکه در جمله اصلی وجود داشته باشد؛ کاربرد واژه words در حالی که در متن اصلی دیده نمی‌شود و با اینکه بر اساس تفاسیر منظور از آیات، آیات قرآن کریم است ولی خود کتاب مقدس نیز آن را به صورت نامشخص آورده است و لذا نیازی نیست که تفسیر نیز در ترجمه دخالت داده شود؛ به کار بستن ضمیر them (جمع) برای (مفرد مذکر)؛ به کارگیری بی‌مورد اصطلاح... this is the same؛ کاربرد واژه legend به صورت مفرد برای اسم جمع اساطیر؛ و بالاخره استفاده از the به همراه legend که اسم نکره است.

۸.۱. ترجمه منقح فارسی و انگلیسی آیه

با توجه به بحث‌هایی که صورت پذیرفت، نگارنده ترجمه فارسی و انگلیسی آیه سیزدهم از سوره مبارکه مطففین را چنین پیشنهاد می‌کند:

هنگامی که نشانه‌های ما بر او خوانده می‌شوند، می‌گوید: «افسانه‌های پیشینیان است.»

[When Our revelations are recited to him, he says: «the legends of the ancients».]

۲. در آیه کریمه ۱۴ آمده است: «كَلَّا بَلْ زَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ».

۱.۲. تفسیر آیه

در تفسیر المیزان (ذیل تفسیر آیه مذکور) این جمله در ردّ و انکار سخن

تکذیب‌گران و ردّ اساطیر اولین است. راغب اصفهانی معتقد است که کلمه رین به معنای غبار، زنگ و تیرگی است که روی چیز گرانها یا شفافی بنشیند. پس مفهوم عبارت «بَلْ زَانَ عَلٰی قُلُوْبِهِمْ» عبارت است از: گناهان مانند زنگ و غباری شد که روی جلای دل‌هاشان را گرفت و آن قلب‌ها را از تشخیص خیر و شر کور کرد. سپس این زنگار بر دل‌های آنان، موجب حایل شدن گناهان بین قلوب ایشان و تشخیص حق گردید. فلذا از آیه شریفه این سه نکته استفاده می‌شود:

اول اینکه اعمال زشت، نقش و صورتی به نفس می‌دهند و نفس آدمی را به آن صورت درمی‌آورند؛

دوم آنکه این نقوش و صورت‌ها مانع از آن است که نفس انسان حق و حقیقت را درک کند و بنابراین میان نفس و درک حق، حایل می‌شود؛

و سوم اینکه نفس آدمی به حسب طبع نخستینش، صفا و جلایی دارد که با داشتن آن حق را آن طور که هست درک می‌کند و آن را از باطل و نیز خیر را از شر تمیز می‌دهد، همچنان که در جای دیگر فرمود (شمس / ۷): «وَنَفْسٍ وَّ مَنَّا سَوِيًّا» (و قسم به نفس ناطقه انسان و آن که او را نیکو (به حد کمال) بیافرید)، «فَالهَمَّهَا فَجُورَهَا وَ تَقْوِيَّهَا» (و به او شر و خیرش را الهام کرد).

مؤلف تفسیر نمونه، ذیل آیه مورد بحث، آورده است که قرآن کریم در آیه بعدی بار دیگر بر ریشه اصلی طغیان و سرکشی آنها اشاره می‌کند و می‌افزاید: «چنین نیست که آنان خیال می‌کنند، بلکه اعمال سوء آنها همچون زنگاری بر دلشان نشسته و از درک حقیقت و مانده‌اند». یعنی اعمال آنان، زنگاری بر قلبشان می‌نشانند و نور و صفای نخستین که به حکم فطرت خداداد در آن بوده است، می‌ستاند و به همین دلیل چهره حقیقت که همواره همچون آفتاب عالم تاب می‌درخشد هرگز در آن بازتابی ندارد و پرتوانوار وحی در آن منعکس

نمی‌گردد. مفهوم ران از مادهٔ رین (بر وزن عین)، بنا به رأی راغب اصفهانی در مفردات، عبارت از همان زنگاری است که روی اشیای قیمتی می‌نشیند و یا بنا به گفتهٔ بعضی دیگر از ارباب لغت، قشر قرمز رنگی است که بر اثر رطوبت هواری آهن و مانند آن ظاهر می‌شود و در فارسی به آن زنگ یا زنگار می‌گویند و معمولاً نشانهٔ پوسیدن و ضایع شدن فلز و از بین رفتن شفافیت و درخشندگی آن است. البته گاه آن را به غلبه و تسلط شیئی بر شیء دیگر یا افتادن در جایی معنا کرده‌اند که راه خلاصی از آن نیست و در واقع اینها همه لازمهٔ همان مفهوم اصلی است.

۲.۲. مفهوم واژه‌های آیه

در اینجا به بیان معنای لغوی هر یک از واژه‌های آیهٔ کریمه خواهیم پرداخت: کلا (حرف): حرف امتناع به معنای هرگز و هیچ وقت، در زجر و ردع استعمال می‌شود، نه چنان است، حرفی برای ردّ سخن پیشین، حاصل معنای آن «نه چنین باشد» است، به معنای «لا»ی استفتاحیه، مرکب از کاف تشبیه و لای نفی و حرف لا به سبب تأکید و تقویت معنا و برای دفع این احتمال که هر دو کلمه بر معنای خود باقی باشد مشدد شده است، برخی آن را کلمه‌ای بسیط پنداشته‌اند؛

یل (حرف): حرف اضراب، هرگاه پیش از جمله‌ای آید حرف ابتدا باشد و مفهوم آن ابطال معنای ماقبل خود است، حرف عطفی که حکم پیش از خود را نفی و برای مابعد می‌گرداند؛

ران (از ریشه‌ی رَین): به معنای گناه و عیب و ریمناسکی، چیزی که بر دل چیره شود و قساوت آن را فرا گیرد و همواره گناه بعد از گناه مرتکب گردد، حجابی بر دل که کشف آن جز به ایمان نبود و آن حجاب کفر و ضلالت است، ریم و

زنگ، زنگ که در شمشیر و آینه افتد، چیره شدن هوا و هوس بر دل، غالب شدن گناه بر دل کسی، غلب، غلبه کردن گناه بزرگ، شوریده شدن تن، شوریدن دل، غالب شدن، غلبه شراب بر کسی و مست ساختن وی، غلبه کردن خواب بر چشم، غالب شدن مستی بر نفس، تیره و سیاه شدن دل از تکرار گناه؛

علی (حرف جر): بر، برای استعلا به کار رود، خواه حقیقی باشد و یا معنوی و مجازی؛

قلوب (جمع قلب): دل‌ها، مصدر قلب، قلب انسان یا حیوان، عقل و خرد؛ ما (اسم و حرف): به معنای چه و چیست، چه چیز، اسم موصول به معنای هرچه، آنچه، چیزی، آنکه، و یا جار و مجرور باشد مانند: مازاد، مادون و مافوق؛

کانوا (از ریشه‌ی کُن، مشتق از کان، یکون، کوناً): به معنای شو، باش، و ماضی ساده است از کن به معنی بود و شد؛

یکسبون (از ریشه کسب): ورزیدن، طلب روزی کردن، ورزیدن برای اهل خود، روزی جستن، رسیدن به روزی، سود بردن از مالی، جمع کردن، گرد آوردن، حاصل کردن، به دست آوردن با مشقت و رنج، ورزاندن کسی را مال، ورزاندن کسی را با سود بردن از مال، حاصل کردن چیزی کسی را و این فعل درباره حق تعالی نیست که او منزّه از جلب نفع و دفع ضرر است (دهخدا. همان. ذیل واژه‌های مذکور؛ راند. همان. ذیل مواد مذکور).

۳.۲. صرف و نحو

برای سهولت امر، مطالب این قسمت در جدولی خلاصه شده است که در اینجا ملاحظه می‌شود:

| واژه | تجزیه و ترکیب |
|--------|---|
| کَلَا | اسم، مبنی علی الفتح، غیر فاعل، مفعولاً فیهِ و منصوب |
| بَلْ | حرف غیر عامل، مبنی علی السکون |
| ران | فعل ماضی، مفرد مذکر غایب، متعدی، مبنی علی المعلوم، معتل اجوف، مبنی، فعل و فاعله ضمیر مستتر هو و جواباً |
| علی | حرف جرّ، عامل، مبنی علی الفتح |
| قلوب | اسم، جمع مکسر (مفرد قلب و هو مذکر)، معرفه به اضافه، معرب، منصرف |
| هَمَّ | اسم، ضمیر، جمع مذکر غایب، مبنی علی السکون، معرفه، منصرف (عَلَى قُلُوبِهِمْ: جار و مجرور) |
| ما | حرف نفی |
| کانوا | فعل ماضی، جمع مذکر غایب، معتل اجوف (از ریشه کَوْن)، مبنی، (فعل ناقص معلوم و مجهول ندارد)، فعل و فاعله ضمیر بارز واو |
| یکسبون | فعل مضارع، جمع مذکر غایب، متعدی، مبنی علی المعلوم، صحیح و سالم، معرب، فعل و فاعله ضمیر بارز واو |

۴.۲. ترجمه‌های فارسی

در این بخش ترجمه‌های فارسی آیه مورد نظر به قلم مترجمان مختلف مشاهده می‌شود. ترجمه‌ها به ترتیبی آمده است که در عین حال بتوان مقایسه‌ای بین آنها صورت داد.

مرحوم مهدی الهی قمشه‌ای نوشته است: «چنین نیست بلکه ظلمت ظلم و بدکاری‌هایش بر دل‌ها غلبه کرده است (که قرآن را انکار می‌کند)»؛



اکبر ایران‌پناه می‌نویسد: «در حقیقت کارهایی که انجام داده بودند، بر دل‌هایشان مسلط شده است»؛

طاهره صفارزاده آورده است: «چنین نیست، بلکه به واسطه اعمال پلیدشان، قلب و ذهن آنها زنگار گرفته»؛

محمد مهدی فولادوند ذیل ترجمه آیه نوشته است: «نه چنین است، بلکه آنچه مرتکب می‌شدند زنگار بر دل‌هایشان بسته است»؛

و در نهایت آیه‌الله ناصر مکارم شیرازی آیه کریمه را چنین ترجمه کرده است: «چنین نیست که آنها می‌پندارند، بلکه اعمالشان چون زنگاری بر دل‌هایشان نشسته است».

۵.۲. ترجمه‌های انگلیسی

در اینجا به نقل ترجمه‌های انگلیسی آیه شریفه، به قلم همان افراد مذکور در مبحث ۵.۱، خواهیم پرداخت:

Arberry: «No indeed; but that they were earning has rusted upon their hearts »;

Irving: «Of course not; rather whatever they used to do lies like rust on their hearts »;

Shakir: «Nay! rather, what they used to do has become like rust upon their hearts »;

Iran Panah: «Nay, but that which they have earned is rust on their hearts »;

Saffarzadeh: «But on their hearts is the stain of their evil deeds ».

۶.۲. شرح

از بین واژه‌های آیه شریفه ۱۴، کلا، بل و ما به ترتیب با معادل‌های but ، nay ، what ترجمه شده است. همه مترجمان، قلوبهم را their hearts نوشته‌اند و فعل ران هم از میان تعابیر has rusted ، lies like rust ، has become like rust ، is rust ، یا is the stain ، و عبارت کائوا یکسبون نیز از بین اصطلاحات used to do ، were earning یا have earned انتخاب می‌شود.

وقتی که بحث درباره «رو»، «بر» و به‌طور عموم استعمال باشد، on و upon کاملاً مترادف‌اند و انتخاب یکی به جای دیگری (برای علی) سلیقه‌ای است و در عین سادگی، بسیار مشکل نیز هست! با همه اینها حرف اضافه on در تداول، بسیار بیشتر از upon به کار می‌رود و معانی وسیع‌تری هم دارد.

با نگاهی به ساختار جمله می‌بینیم که ران (مانند کتب: نوشت) فعل ماضی ساده است، ولی برخی از مترجمان آن را در مقام اسم و با افعال دیگری مانند lie ، become و is ، همراه کرده‌اند. لذا پس از انتخاب یک واژه از میان rust و stain به عنوان واژه اصلی، بهتر است که از خود این واژه‌ها به عنوان فعل مستقیم استفاده شود و از افعال جانبی دیگر صرف نظر گردد تا به ساختار جمله اصلی نزدیک‌تر باشد. هیچ یک از مترجمان، زمان اصلی آن فعل را (که گذشته ساده است) به کار نبسته‌اند.

شاید به مناسبت نباشد که برای تسهیل کار، ترجمه فارسی واقعی آیه پانزدهم را در اینجا بیاوریم:

هرگز! ولی آنچه گرد می‌آوردند بر دل‌هایشان زنگار بست.

آنچه در واژه‌نامه‌ها از معانی رین دیده می‌شود اغلب به زنگ زدگی و زنگارگرفتگی قلب یا فلز اشاره دارد و در حقیقت بیانگر این نکته است که اهل

لغت، زنگ زدن و اکسایش فلز را به فساد و زنگار بستن قلب نزدیک می‌دانند. با مراجعه به واژه‌نامه Oxford ملاحظه می‌شود که واژه rust دقیقاً معنای زنگ زدگی فلز را القا می‌کند در حالی که stain به معنای لکه و کثیفی آمده است و معمولاً قابلیت پاک‌شوندگی را (بویژه از روی فلزات) دارا است. لذا از بین ترجمه‌های مذکور تنها آربری واژه rust را به صورت فعل (ماضی نقلی) آورده است و به نظر بهترین گزینه می‌نماید.

واژه مهم دیگر یکسبون است که مترجمان تنها دو معادل do و earn را برای آن پیشنهاد کرده‌اند و البته فضای محدودی هم برای انتخاب باقی می‌گذارد، ولی با مراجعه به لغت‌نامه‌ها درمی‌یابیم که هیچ یک از معانی واژه مورد بحث قرابتی با فعل do (به معنای انجام دادن) ندارد و در واژه‌نامه‌های Oxford و Webster نیز مفهوم «به دست آوردن» برای فعل do یافته نشد. در واقع مترجمان با استفاده از این فعل، یک کار تفسیری کرده‌اند، زیرا با استنباط از معنی کلی آیه خواسته‌اند تا فهم آن را تسهیل کنند. البته باید توجه داشت که واژه earn، به معنای به دست آوردن و کسب کردن، می‌تواند معادل مناسبی برای کلمه مورد نظر باشد فلذا در تطبیق معنای earn با تفسیر و شأن نزول آیات و موضوع کسب مال حرام به توسط مردم مدینه در روزگار پیامبر اکرم ﷺ، می‌توان چنین نتیجه گرفت که قرابت معنایی earn با آنچه آنان کسب می‌کرده‌اند قابل قبول است، و هرچند که معنای earn بر کسب چیزهای خوب، حلال، درخور و آنچه حق شخص است دلالت دارد، ولی براحتی می‌توانیم در اینجا آن را به مفهوم به دست آوردن و کسب کردن به کار بریم.

در پایان این قسمت باید توجه داد که زمان این فعل به همراه کانوا، حالت استمرار می‌یابد و کاملاً به ساختار فعل ماضی استمراری انگلیسی نیز شباهت

دارد (کانوا: were) که با این توضیحات همچنان مشخص می‌شود که ترجمه آربری بهتر به نظر می‌رسد.

۷.۲. اشکالات کار مترجمان

در این مرحله ابتدا نقص‌های ترجمه‌های انگلیسی آیه چهاردهم مطرح و آن‌گاه ترجمه‌های فارسی و انگلیسی صحیح آن به توسط نگارنده پیشنهاد می‌شود. نقایص ترجمه آربری. استفاده از اصطلاح *no indeed* برای کلاً؛ کاربرد واژه *that* برای ما؛ و به کار بردن معادل *upon* برای علی.

اشکالات ترجمه ایروینگ. به کار بستن اصطلاح *of course not* برای کلاً؛ استفاده از حرف ربط *rather* به جای *بل*؛ معادل گرفتن فعل *do* با *یکسبون*؛ و به کارگیری شکل اسمی *rust* به همراه فعل *lie* و حرف اضافه *like* برای فعل ران. مشکلات ترجمه شاکر. استفاده از حرف ربط *rather* برای *بل*؛ به کار بردن فعل *do* به جای *یکسبون*؛ کاربرد شکل اسمی *rust* به همراه فعل *become* و حرف اضافه *like* برای فعل ران؛ و استفاده از *upon* به جای علی.

نواقص ترجمه ایران‌پناه. استفاده از واژه *that* برای ما؛ نیز به کار بردن *which* پس از *that* که زاید و واژه معادل آن در اینجا، ما است که تنها یک کلمه است؛ به کار بردن زمان ماضی نقلی فعل *earn* برای فعل ماضی استمراری کانوا *یکسبون*؛ و استفاده از شکل اسمی *rust* به همراه فعل *is* به جای فعل ران.

نقص‌های ترجمه صفارزاده. عدم ترجمه کلاً؛ استفاده از معادل *stain* به جای ران؛ کاربرد شکل اسمی *stain* به همراه فعل *is* برای فعل ران؛ و بالاخره با ترجمه نکردن فعل کانوا *یکسبون* و افزودن ترکیب وصفی *evil deeds*، کاملاً از متن اصلی فاصله گرفته است.

۸.۲. ترجمه منفتح فارسی و انگلیسی آیه

با توجه به بحث‌های مطرح شده، نگارنده ترجمه‌های فارسی و انگلیسی آیه چهاردهم از سوره مبارکه مطففین را این‌گونه پیشنهاد می‌کند:
هرگز! ولی آنچه گرد می‌آوردند بر دل‌هایشان زنگار بسته است.

[Nay! but what they were earning has rusted on their hearts.]

۳. خدا در آیه شریفه پانزدهم می‌فرماید: «كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَّخُجُونَ». ۱.۳. تفسیر آیه

مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، ذیل آیه ۱۵ از سوره مطففین، می‌نویسد که این آیه انکار از ارتکاب گناهانی است که فرمود بین قلب و درک حق حایل می‌شود و مراد از محجوب بودن از پروردگارشان در روز قیامت، محروم بودنشان از کرامت قرب و منزلت او است و شاید مراد آن مفسر گفته است: «منظور، محجوب بودن از رحمت خدا است» هم همین باشد. پس معنای محجوب بودن این نیست که از معرفت خدا محجوب‌اند، چون در روز قیامت همه حجاب‌ها برطرف و اسباب‌های ظاهری — که در دنیا واسطه میان خدا و خلق بود — برچیده می‌شود و در نتیجه تمام خلایق، معرفتی تام و کامل به خدای تعالی پیدا می‌کنند. همچنان که فرمود: «لمن الملك اليوم الله الواحد القهار»، و نیز فرموده است: «و يعلمون ان الله هو الحق المبين».

آیه‌الله مکارم شیرازی (ذیل آیه شریفه) در ترجمه آیه آورده است: «چنین نیست که آنها می‌پندارند بلکه آنان در آن روز از پروردگارشان محجوب‌اند» و این دردناک‌ترین مجازات آنها است؛ همان‌گونه که لقای معنوی پروردگار و

حضور در بارگاه قرب او برای ابرار و نیکان، برترین موهبت و لذت‌بخش‌ترین نعمت است.

کلاً معمولاً برای نفی سخنی می‌آید که قبلاً مطرح بوده است و در اینجا مفسران احتمالات متعددی درباره آن داده‌اند. نخست، تأکیدی بر کلاً است که در آیه قبل ملاحظه شد، یعنی چنان نیست که آن روز قیامت را افسانه و اسطوره معرفی می‌کنند. یا آنکه چنان نیست که زنگاری که بر قلب آنها بر اثر گناه نشسته است پاک شود و آنان هم در این جهان از مشاهده جمال حق محروم‌اند و هم در جهان دیگر. و با اینکه آنها – همان‌گونه که در آیات دیگر قرآن آمده است – مدعی بودند اگر بر فرض قیامتی هم در کار باشد ایشان نیز در آنجا مشمول انواع نعمت‌های خدا خواهند بود! چنین نیست که آن گروه می‌پندارند، بلکه در قیامت در شدیدترین عذاب‌ها و سخت‌ترین شکنجه‌ها هستند.

آری، آخرت بازتاب و تجسم عظیمی از اعمال انسان در این دنیا است و آنها که چشم خود را در اینجا از مشاهده حق فرو می‌بندند و اعمالشان همچون زنگاری بر قلبشان نشسته است در آنجا نیز از پروردگار محجوب‌اند و هرگز یارای مشاهده جمال حق را در آن عالم ندارند و از فیض لقای آن محبوب حقیقی محروم می‌مانند.

۲.۳. مفهوم واژه‌های آیه

در این بخش – همچون گذشته – معنای واژه‌ها به لحاظ لغوی بدین شرح مطرح می‌شود:

انْ (حرف): به معنای به‌درستی و راستی، به معنی آری نیز هست و هردو معنا برای تأکید خبر استعمال می‌شود و اسم را نصب می‌دهد و خبر را رفع و گاهی هم هردو را نصب می‌دهد؛



عن (حرف جرّ): به معنای از و مرادف من که کلمه مابعد خود را جرّ می‌دهد؛
یومئذ (ع ق مرکب): به معنی در این روز و در این هنگام، در آن روز و در آن
هنگام، امروز، آن روز و در آن روز؛

ل (حرف): حرف تحقیق به معنای یقیناً، بی‌شک و شبهه، البته، فی‌الواقع، و
هرآینه. این حرف به ضمیر متصل می‌شود، مانند لک و لکم، و گاه در سوگند
استعمال می‌گردد، نظیر لعمرک که به معنای سوگند به جان تو است؛

محبوبون (جمع محجوب): باز داشته شده از بیرون آمدن، پوشیده، مکسوف،
مستور، در پرده کرده، در حجاب، مقابل آشکار و ظاهر، باز داشته، باز داشته
شده از درک حقایق، نایبنا، مکفوف، بینای چشم پوشیده، باحیا و شرمگین،
کم‌رو، آزرمین، باآزم، و آن که به سبب حجب از ارثی محروم است (دهخدا).
همان. ذیل واژه‌های مذکور).

۳.۳. صرف و نحو

مطابق با فصول قبلی، در اینجا نیز برای تسهیل در کار، مسائل صرفی و نحوی
تعبیر در جدولی بدین شرح گرد آمده است.

| واژه | تجزیه و ترکیب |
|--------|--|
| کَلَّا | اسم، مبنی علی‌الفتح، غیر عامل |
| انَّ | حرف مشبهة بالفعل، عامل، مبنی علی‌الفتح |
| هُمَّ | اسم، ضمیر، جمع مذکر غایب، مبنی علی‌السکون، معرفه، منصرف، اسم إنَّ و محلاً منصوب |
| عن | حرف جرّ، عامل، مبنی علی‌السکون |
| رب | اسم، مفرد مذکر، جامد، معرفه به اضافه، معرب، منصرف، (در عنْ) |



| | |
|---------|---|
| | رَبِّهِمْ: جار و مجرور و متعلقهما لمحجوبون) |
| بِهِمْ | اسم، ضمیر، جمع مذکر غایب، مبنی علی السکون، معرفه، منصرف |
| یومئذ | حرف |
| أَ | حرف، غیر عامل، مبنی علی الفتح |
| محجوبون | اسم، جمع مذکر سالم، جامد مصدری، نکره، معرب، منصرف، خبر إِنَّ و محلاً مرفوع |

۴.۳. ترجمه‌های فارسی

در اینجا به ذکر ترجمه‌های فارسی آیه پانزدهم به قلم مترجمان مختلف می‌پردازیم و همان‌طور که مشاهده می‌شود ترجمه‌ها به گونه‌ای از پی هم آمده است که امکان مقایسه بین آنها وجود داشته باشد.

مرحوم مهدی الهی قمشه‌ای می‌نویسد: «چنین نیست که می‌پندارند، بلکه آنها از معرفت پروردگارشان محجوب و محروم‌اند»؛

اکبر ایران‌پناه آورده است: «نه چنین است، بلکه آنها در آن روز از معرفت پروردگارشان محروم خواهند بود»؛

طاهره صفارزاده نوشته است: «نه! مطمئناً آنها در آن روز از دیدار آفریدگارشان محروم‌اند»؛

محمد مهدی فولادوند نیز آیه را چنین ترجمه کرده است: «زهی پندار که آنان در آن روز از پروردگارشان سخت محجوب‌اند»؛

در ترجمه آیه‌الله ناصر مکارم شیرازی از آیه پانزدهم می‌خوانیم: «چنین نیست که می‌پندارند، بلکه آنها در آن روز از پروردگارشان محجوب‌اند».

۵.۳. ترجمه‌های انگلیسی

در این بخش – همچون روال پیشین – ترجمه‌های مختلف آیه کریمه، به قلم آربری، ایروینگ، شاکر، ایران‌پناه و صفارزاده، ملاحظه می‌شود:

Arberry: «No indeed; but upon that day they shall be veiled from their Lord »;

Irving: «Indeed they will be screened off from their Lord on that day»;

Shakir: «Nay! Most surely they shall on that day be debarred form their Lord »;

Iran Panah: «Nay, most surely on that day shall be veiled from their Lord »;

Saffarzadeh: «Surely on the Resurrection day, they will be deprived from meeting their Creator. »

۶.۳. شرح

از بین واژه‌های آیه کریمه ۱۵، کلمات کلّاً، این، رب و یومئذ به صورت‌های nay ، surely ، Lord و on that day ترجمه شده است. حرف این برای تأکید بر جمله استفاده می‌شود و از طرفی ساختار آن در همراهی با لاء برای تأکید بیشتر بر جمله به کار می‌رود.

شاکر همواره اصطلاح most surely را معادل این قرار داده است ولی آنچه در نتیجه‌گیری حاصل شد تنها قید surely بود (البته بدون most). لذا ما قید surely را در تمام موارد، معادل مستقیم حرف این (به‌تنهایی) در نظر گرفته‌ایم فلذا استفاده از قید most نیز به همراه surely و آن هم به منظور تأکید بیشتر برای



ساختار آن، به ضمیمهٔ این نامناسب نمی‌نماید.

مترجمان همگی برای اسم محجوبون، گروه فعلی آیندهٔ مجهول را از مصدرهای to veil، to screen off، to debar، و to deprive پیشنهاد کرده‌اند.

با مراجعه به واژه‌نامهٔ *Oxford* ملاحظه می‌شود که veil به مفهوم پوشانیدن چیزی با نقاب یا با چیز دیگر است و کاربرد ادبی دارد، ضمن اینکه معنای محرومیت را هم القانمی‌کند. فعل دو کلمه‌ای screen off، به معنای جدا کردن یک قسمت از چیزی یا جایی (مانند اتاق و تالار) از قسمت دیگر آن است. همچنین با توجه کردن در فعل debar می‌بینیم که مقصود از آن، جلوگیری از انجام دادن کاری یا داشتن چیزی است و لذا در آن اشاره‌ای به عمل یا چیز با اهمیتی نشده است اما فعل deprive، بر جلوگیری از انجام دادن کار یا داشتن یک چیز مهم دلالت می‌کند که بخوبی با محرومیت از ارزشمندترین هدف انسان که قرب و دیدار خدای بزرگ است مطابقت و همخوانی دارد. یعنی در واقع تفاوت دو فعل debar و deprive، در معنای آنها نیست بلکه در میزان اهمیت عمل یا چیزی است که تحریم می‌کنند.

۷.۳. اشکالات کار مترجمان

در اینجا ابتدا به نقایص ترجمه‌های انگلیسی آیهٔ شریفهٔ ۱۵ از سورهٔ مبارکهٔ مطففین اشاره می‌شود، سپس ترجمه‌های فارسی و انگلیسی پیشنهادی نگارنده ارائه می‌گردد.

اشکالات ترجمهٔ آربری. استفاده از اصطلاح no indeed برای کلاً؛ عدم ترجمهٔ این؛ افزودن بی‌مورد but به ترجمه، در حالی که معادل آن در اصل جمله وجود ندارد؛ کاربرد عبارت upon that day به جای یومئذ؛ استفاده از معادل veil برای محجوبون.



نقص‌های ترجمه‌های ایلروینگ. ترجمه نکردن واژه کلاً؛ استفاده از واژه indeed برای این؛ به کارگیری فعل screen off به جای محجوبون. اشکال ترجمه شاکر. استفاده از فعل debar برای محجوبون. نقص ترجمه ایران‌پناه. کاربرد معادل veil به جای محجوبون. اشکالات ترجمه صفارزاده. عدم ترجمه کلاً؛ استفاده از اسم خاص the Resurrection day برای واژه یومئذ؛ افزودن بی‌مورد واژه meeting، بی‌آنکه در متن اصلی باشد؛ به کار بردن اسم Creator به جای رب.

۸.۳. ترجمه منقح فارسی و انگلیسی آیه

با توجه به مباحث ارائه شده، ترجمه‌های فارسی و انگلیسی صحیح آیه کریمه پانزدهم چنین خواهد شد:

هرگز! براستی که آنان در آن روز از پروردگارشان محروم خواهند بود.

[Nay! most surely on that day they will be deprived from their Lord.]

۴. خدای تعالی در آیه شانزدهم می‌فرماید: «تُمْ إِنَّهُمْ لَصَالُوا الْبَحِيمِ».

۱.۴. تفسیر آیه

مطابق با تفسیر مرحوم علامه طباطبایی، معنای آیه شریفه این است که «ایشان داخل جحیم خواهند شد، دخولی که بیرون‌شدنی برایشان نیست». بعضی هم در مفهوم آیه آورده‌اند که آنان حرارت آن را می‌چشند و کلمه تُم در این آیه و آیه بعدی برای تراخی و بعدیت در کلام است؛ پس بعدیت زمانی نیست، بلکه رتبی است.

در تفسیر نمونه نیز در بیان معنای آیه آمده است: «سپس آنها قطعاً وارد آتش

دوزخ می‌شوند و ملازم آن هستند»، و این ورود در آتش نتیجهٔ محجوب بودن از پروردگار و اثری است که از آن جدا نیست و به طور مسلم آتش محرومیت از دیدار حق، از آتش دوزخ هم سوزان‌تر است!

۲.۴. معنای واژه‌های آیه

در این بخش معنای هریک از واژه‌های آیه را بدین شرح بیان می‌داریم:
 ثَمَّ (حرف ربط): حرف عطف است برای مهلت، پس، سپس، باز، پس از آن، هم، و هم، حرف عطف که دلالت بر ترتیب دارد، با مدت زمان بیشتر؛
 سالوا (از مصدر صَلَّى): بریان کردن گوشت یا در آتش افکندن آن، در آتش در آوردن کسی، در آتش در آوردن، کسی را بد سگالیدن، بد سگالیدن، به هلاک افکندن، گرمی آتش را کشیدن، فریب دادن، چاپلوسی کردن، مدارا نمودن، سوخته شدن به آتش، سختی کار را کشیدن، نیز از مصدر صَلَّى به معنای همیزم و فروزینۀ آتش، وقود، آتش؛

جحیم: آتش سخت شعله‌زن، آتش تو بر تو، هر آتش بزرگ که در مفاکی افروخته باشند، آتش بزرگ، آتش بسیار قوی و بلند، جای سخت گرم، یکی از نام‌های دوزخ (مؤنث است) (دهخدا. همان. ذیل واژه‌های مذکور؛ راند. همان. ذیل مداخل مذکور).

۳.۴. صرف و نحو

مطالب این قسمت - همچون فصول پیشین - در جدولی بدین شرح ملاحظه می‌شود:

| واژه | تجزیه و ترکیب |
|---------|---|
| ثُمَّ | حرف، عامل، مبنی علی الفتح |
| أَنَّ | حرف مشبهة بالفعل، عامل، مبنی علی السکون |
| هُنَّ | اسم، ضمیر، جمع مذکر غایب، مبنی علی السکون، معرفه |
| لَـ | حرف، غیر عامل، مبنی علی السکون |
| صَالُوا | فعل ماضی، جمع مذکر غایب، متعدی، مبنی علی المعلوم، معتل ناقص، مبنی |
| الـ | حرف، غیر عامل، مبنی علی السکون |
| جَحِيمٍ | اسم، مفرد، معرفه به ال، غیر منصرف، معرب |

۴.۴. ترجمه‌های فارسی

در این بخش ترجمه‌های مختلف فارسی آیه شانزدهم ارائه می‌شود:
مرحوم مهدی الهی قمشه‌ای می‌نویسد: «سپس آنها را به آتش دوزخ درافکندند»؛

اکبر ایران‌پناه در ترجمه آیه آورده است: «سپس ایشان را به دوزخ اندازند»؛
طاهره صفارزاده نوشته است: «آن‌گاه آنها (بعد از محاسبه) به آتش جهنم در می‌آیند»؛

محمد مهدی فولادوند آیه شریفه را چنین ترجمه کرده است: «آن‌گاه یقین آنان به جهنم درآیند»؛

آیه‌الله ناصر مکارم شیرازی نیز می‌نویسد: «سپس آنها یقین وارد دوزخ می‌شوند».



۵.۴. ترجمه‌های انگلیسی

در اینجا - همچون روال قبل - به نقل ترجمه‌های انگلیسی آیه به قلم مترجمان مختلف خواهیم پرداخت:

Arberry: «then they shall roast in Hell»;

Irving: «next they will roast in Hades»;

Shakir: «Then most surely they shall enter the burning fire»;

Iran Panah: «So surely they shall enter the burning Fire»;

Saffarzadeh: «Then they will enter the Hell Fire».

۶.۴. شرح

ملاحظه می‌شود حرف *ثم* به *then*، حرف *إنَّ* به *surely* و فعل *صَالُوا* (از مصدر *صَلَّى*) به مصدر *to enter* به همراه حرف اضافه *into* ترجمه شده‌اند. حین بحث درباره آیه پانزدهم، تصمیم بر این شد که در مواجهه با حضور همزمان حروف *إنَّ* و *وَأَ،* از روش شاکر پاکستانی استفاده کنیم و اصطلاح *most surely* را معادل آنها قرار دهیم. لذا تنها واژه باقی مانده، اسم خاص الجحیم خواهد بود که ۲۵ مرتبه در قرآن مقدس تکرار شده است و واژه‌ها و اصطلاحات پیشنهادی برای آن از سوی مترجمان، شامل *Hell*، *Hades*، *the burning fire / Fire* و *the Hell Fire* است.

اسم *Hell* را به تنهایی برای جهنم به کار می‌بریم و *Hades* هم که اسم خاص است به سرزمین مردگان در داستان‌های یونان باستان اشاره می‌کند و جنبه مذهبی ندارد. شاکر و ایران‌پناه در ترجمه آیه چهارم از سوره مبارکه غاشیه، به ترتیب، تعابیر *burning fire* و *Burning Fire* را برای اسم حامیه به کار برده‌اند و به طوری که ملاحظه می‌شود در آیه مورد بحث ما نیز همان اصطلاح را معادل

جحیم قرار داده‌اند که خود نشانهٔ عدم انسجام کار آنان است. صفارزاده، از اصطلاح the Hell Fire استفاده کرده و در واقع یک عبارت اسمی را معادل تنها یک اسم قرار داده است، ولی با استخراج معانی جحیم از فرهنگ‌های عربی و فارسی، بوضوح درمی‌یابیم که جحیم نام دیگر جهنم و بهتر است که در این مورد از معادل Hell استفاده نماییم.

۷.۴. اشکالات کار مترجمان

در این مبحث ابتدا اشکالات ترجمه‌های انگلیسی آیهٔ کریمهٔ شانزدهم مورد بررسی اجمالی قرار می‌گیرد و سپس برگردان فارسی و انگلیسی صحیح آن به توسط نگارنده ارائه می‌شود.

اشکال ترجمهٔ آریبری. عدم ترجمهٔ *إن*؛ استفاده از فعل *roast* برای *صالوا*.

نقص‌های ترجمهٔ ایروینگ. کاربرد *next* به جای *ثم*؛ ترجمه نکردن *إن*؛

استفاده از فعل *roast* برای *صالوا*؛ به کار بردن اسم *Hades* برای جحیم.

مشکلات ترجمهٔ شاکر. عدم استفاده از حرف اضافهٔ *into* به همراه فعل

enter؛ استفاده از اصطلاح *the burning fire* برای اسم جحیم.

نواقص ترجمهٔ ایران‌پناه. استفاده از *so* به جای *ثم*؛ کاربرد *surely* به تنهایی

برای *إن* در ترکیب *بال*؛ عدم استفاده از حرف اضافهٔ *into* به همراه فعل *enter*؛

به کار بردن معادل *the burning fire* به جای جحیم.

اشکالات ترجمهٔ صفارزاده. عدم ترجمهٔ *إن*؛ استفاده نکردن از حرف

اضافهٔ *into* به همراه فعل *enter*؛ کاربرد عبارت *the Hell Fire* به جای جحیم

که تنها یک کلمه است.

۸.۴. ترجمهٔ منقح فارسی و انگلیسی آیه

در نهایت پیشنهاد نگارنده برای ترجمهٔ فارسی و انگلیسی آیهٔ کریمهٔ شانزدهم

از سوره مبارکه مطفین چنین است:

سپس آنان بتحقیق به جهنم وارد خواهند شد.

[Then most surely they will enter into Hell.]

مآخذ

الف. فارسی و عربی

علاوه بر قرآن کریم.

حق شناس، علی محمد. ۱۳۸۱ ه. ش. فرهنگ انگلیسی - فارسی هزاره. تهران: فرهنگ معاصر.

دهخدا، علی اکبر. ۱۳۷۷ ه. ش. لغت نامه. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

طباطبایی، سید محمد حسین. ۱۳۸۱ ه. ش. تفسیر المیزان. قم: انتشارات اسلامی.

مسعود، جبران. ۱۳۷۲ ه. ش. فرهنگ واژگان عربی - فارسی راند. قم: انتشارات اسلامی.

مکارم شیرازی، ناصر [زیر نظر]. ۱۳۶۶ ه. ش. تفسیر نمونه. قم: دارالکتب الاسلامیه.

ب. انگلیسی

Anderson, J.M. 2004. *Cambridge International Dictionary of English*.

London: Cambridge University Press.

Arberry, A.J. 1955. *The Koran Interpreted*. New York: Macmillan

Publishing Company.

Carroll, J.C. 2005. *Longman Dictionary of American English*.

Washington: Georgetown University Press.

Hornby, A.S. 1999. *Oxford Advanced Learners Dictionary of Current*

English. London: Oxford University Press.

Iran Panah, Akbar. 2001. *The Holy Quran*. Tehran: Darinah Publications.

Irving, T.B. 1998. *The Quran*. Tehran: Suhrawardi Publication Center.

Saffarzadeh, Tahereh. 2001. *The Holy Quran*. Tehran: Honare Bidar Publications.

Shakir, M.H. 2003. *The Holy Quran*. Qum: Ansariyan Publications.

Summers, Della. 2003. *Longman Dictionary of Contemporary English*. London: Cambridge University Press.

Websters, Merriam. 2006. *Collegiate Dictionary*. Massachusetts: Springfield.



Yule, George. 2006. *The Study of Language*. London: Cambridge University Press.